

با دوستان بازنشسته ای که در شمایل فعالین کارگری در اعتراضات کارگری شرکت می کنند صحبتی داشتیم. امیدواریم که نقل این گفتگوها راهگشای جنبش طبقه ما باشد.

صحبت به این جا کشید که آیا آموزش قانون سرمایه با طول و تفصیل و مدح و ثنای مجلس قانون گذار سرمایه، توهم زایی درون جنبش کارگری نیست؟ این که گفته می شود بخشی از کارگران خود به قانون توهم دارند واقعیتی است اما این کارگران فعال در مورد عامل این توهم در میان بخشی از کارگران، سکوت می کنند!! سرمایه است که از طریق رسانه ها و تلویزیون مدام نظام سرمایه داری را به عنوان بهشت موعود به گوش کارگران می خواند. کارگری که آگاهانه یا متوهم به سرمایه کارگران را به زیر پرچم قانون بورژوازی بسیج می کند و از کارگران می خواهد و نوید می دهد که با توسل به قانون سرمایه می توانیم به مطالباتمان برسیم، کارگران را از مبارزه با سرمایه باز می دارد و به توهم پراکنی در جنبش کارگری کمک می کند، کارگری است که با تفکر بورژوازی به اصطلاح "مبارزه" می کند.

یادآوری کنیم که جنبش خود پوی و خودجوش طبقه کارگر بدون توسل به دار قانون سرمایه، حقوق مدنی و انتظار از دولت سرمایه، هزارها اعتصاب (۴ تا ۶ هزار) در حد و قواره جنبش کارگری، سازماندهی کرده است. شکی نیست که با یک جنبش سازمان یافته و آگاه سراسری شورایی فاصله دارد و متاسفانه جنبشی که با اتکا به نیروی خود بخشی از خواست و مطالبات خود را به دولت سرمایه تحمیل کرده و می کند، دست بالا را ندارد. این رویکرد رادیکال در جنبش کارگری جوشیده و نشات گرفته از ذات و بنیان طبقه کارگر است که علیه سرمایه می شود، اعتصاب سراسری راه می اندازد و با

چاره رهایی

از جهنم

سرمایه، مبارزه

سراسری

شورایی است

////////////////////////////////////

امید خرم / تیر ۱۴۰۱



توفانی از خشم، نهادهای دولت سرمایه را مورد هجوم قرار می دهد. اما اگر چه این جنبش در حد و اندازه نازلی است نباید مورد بی توجهی قرار گیرد. این دوستان اگر چنین می دیدند همزنجیران خود را در ستیز با سرمایه تنها نمی گذاشتند. آنان تنها بخش متوهم و رفرمیسم جنبش کارگری را می بینند، که از بورژوازی انتظار دارند با نمایش دادن سفره خالی به طبقه کارگر ترحم کند. ایجاد توهم، تظلم خواهی و نمایش فقر برای برانگیختن توجه سرمایه، نتیجه سال ها توهم افکنی رژیم اسلامی سرمایه و دیگر شرکای آن است. شرکایی که تحت لوای اپوزیسیون ها در نمایش تظلم خواهی و آستان بوسی سرمایه کارکشته و کاربرد هستند و برای حفظ نظام کارمزدی مبتنی بر خرید و فروش نیروی کار می کوشند. آنان با همه توان در صدد هستند که نظام تولید ارزش اضافی را دست نخورده تحویل بگیرند. با توجه به این توهم آفرینی هاست که بعضی از دوستان کارگر می گویند برای تحقق خواست های خود به دولت سرمایه التجا آوریم و از دولت بخواهیم انتظارات ما را جامه عمل پوشاند. کارگران آموزشی سال هاست، این انتظارات را در تجمع ها و بست نشینی ها به گوش مدیران ریز و درشت سرمایه رسانده اند اما طرفی نبسته اند. آزموده را آزمودن خطا است. سال هاست با ترحم خواهی و آستان بوسی سرمایه برای تحقق انتظاراتمان تجمع برگزار کرده ایم. دستاوردمان سرخوردگی، پراکندگی و گسست در جنبش کارگری بوده است. بیابیم انتظارات خود را در یک کیفر خواست به نام طبقه کارگر که در برگیرنده آحاد طبقه کارگر از بیکار، بازنشسته، زنان خانه دار، شاغل، کارگران دستفروش، کارگران اسنپ، کارگران پیک موتوری، کارگران آموزشی (معلمان) بخواهیم. متحدانه، سراسری، دخالتگر و سرمایه ستیز بپا خیزیم. از تظلم خواهی دست برداریم. با اتکا به نیروی طبقه کارگر که بالقوه این توان و قدرت را دارد، تمام آنچه را تحت عنوان سرمایه اجتماعی است بدست آوریم. ما کارگران خالق هست و نیست جهان سرمایه داری هستیم و می توانیم آنها را از ید اختیار سرمایه خارج کنیم. طبقه کارگر بارها حاکمان سرمایه را به زیر کشیده است اما در همه این جنگ ها که همه به دست طبقه کارگر انجام گرفته است دست آوردش نصیب جناحی دیگر از سرمایه شده که قهارتر و فریب کارتر از قبلی بوده است. اگر بخواهیم دلیلش را در یک جمله خلاصه کنیم، این است که مناسبات سرمایه را هدف مبارزات خود قرار ندادیم. زمانی که این صحبت ها را با همزنجیران خود کارگران آموزشی و بازنشسته در میان می گذاریم آنها با طفره رفتن از ایفای این وظیفه عاجل، منفعلانه چنین می گویند که: "کارگران به مرور آگاه می شوند و به این نقطه از مبارزات هم خواهیم رسید!!"

در ادامه صحبت، دوست دیگری گفت: ما حق شهروندی داریم، ما جزیی از جامعه مدنی هستیم،

انتظاراتی داریم و می‌خواهیم دولت به خواست‌های ما برسد. اپوزیسیون بورژوازی خواست شهروندی مدنی را به کارگران القا می‌کنند و این دروغ و واژگونه‌سازی‌ها را خوردند جنبش کارگری می‌کند. این وارونه‌سازی و فریب کاری است که جناح‌های بورژوازی برای دورکردن ما کارگران از مبارزه در بوق و کرنا می‌کنند. طبقه کارگر "رانده شده از جامعه" است. از زمانی که چتر خرید و فروش نیروی کار گسترده شد، تنها حق کارگر خروج از برده‌داری به عنوان بخشی از ابزار تولید و آزاد در فروش نیروی کار است. سرمایه با افزایش بارآوری نیروی کار، با تمرکز روی کسب ارزش اضافی نسبی و به تبع آن افزایش بی‌حد و حصر ارتش ذخیره کار، کارگر را به فروش نیروی کار وادار می‌کند. در این مناسبات همه چیز واژگونه است. مراودات انسانی از گذر مبادلات کالاها بروز پیدا می‌کنند. از روابط انسانی خبری نیست. بیگانگی کارگر به کار و خودش به منصف ظهور می‌رسد. سرمایه به دروغ چنین وانمود می‌کند که بهای نیروی کار را با بهای کار مجسم در کالا پرداخته است. در عصر کنونی سرمایه، دولت، تولید ارزش اضافی و بهره‌کشی از نیروی کار مبتنی بر خرید فروش را که مسبب فقر و سیه‌روزی طبقه کارگر است سامان می‌دهد. دولتی که قوانین ضدکارگری را توسط مجلس سرمایه تصویب و به نام مردم علیه کارگران اجرا می‌کند. دولتی که افکار بورژوازی را یکریز به نام کلیه شهروندان و مردم خوراک توده‌های کارگر می‌کند. به دوستان کارگری که از حق شهروندی می‌گویند باید گفت. حق شهروندی از نظر دولت سرمایه شرکت در انتخابات بورژوازی و صحنه گذاشتن بر اعمال قهر اقتصادی و گرانی چند برابری قیمت‌های کالاهایی است که کارگران را روانه سطل زباله‌ها برای سد جوع نموده است و بواقع سلاخی کارگران در پای سود آوری و انباشت سرمایه داران و دولت سرمایه است. این شیوه یا راه کار بورژوازی مختص رژیم‌هایی که با دیکتاتوری عریان از کارگران بهره‌کشی می‌کنند، نیست بلکه مشی‌جا افتاده نظام‌های سرمایه‌داری که با دموکراسی و حقوق بشر تولید ارزش اضافی می‌کنند هم هست. در این جا سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل در حمایت از جناح‌های بورژوازی فعال هستند. در همین کشورها آنجا که ملزومات سرمایه ایجاد کند دولت‌ها سن بازنشستگی را بالا می‌برند. از هزینه‌های نگه‌داری سالمندان، مهد کودک‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و... به نفع و سود سرمایه می‌کاهند. اما زمانی که سرمایه به دلیل تناقضات درونی‌اش درگیر بحران شود، سرمایه به حمایت از سرمایه‌داران در حاتم بخشی از ارزش اضافی حاصل از نیروی کار بیشتر است. از یاد نبریم که در بحران ۲۰۰۸ کمک ۷۰۰ میلیاردی دولت امریکا به دو تراست سرمایه از محصول کار کارگران پرداخت شد.

تعدادی از این کارگران بازنشسته حتا ادعا داشتند که شورشهای خیابانی آنارشی گری است!! آیا می‌خواهیم کارگرانی که برای فرار از گرسنگی، کارتن خوابی، بی‌سرپناهی سر به شورش بر می‌دارند، یا کارگران پروژه ای که چند سالی است برای افزایش دستمزد و ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت (رست) در ستیز با سرمایه دست به اعتصاب زده اند را با این سخنان آرام کنیم؟ یکی از رفرمیست‌ها خطاب به کارگران سندیکایی نوشته بود. "شما (سندیکا) می‌بایست کارگرانی را که در آبان ۹۸ سر به شورش برداشتند مدیریت می‌کردید." منظورش این بود، که از به خیابان آمدن کارگران جلوگیری می‌کردید. بایستی مبارزات کارگران را در چهارچوب سرمایه کنترل کرد که مبادا از حریم سرمایه عبور وعلیه سرمایه دست به مبارزه زنند!! چرا از مبارزات کمون پاریس در ۱۵۰ سال پیش و نیز از شکست انقلاب اکتبر نیاموزیم؟! شورش‌های کارگری، قیام بخش کارگران بیکار آواره در خیابان‌ها علیه گرانی، فقر و بی‌سرپناهی بود که با سرمایه درگیر شدند. سرمایه با تمام توان به مقابله با کارگران برخاست. اما تا گرانی و بی‌سرپناهی هست شورشهای کارگری هم وجود خواهند داشت.

تعدادی نیز به مانند تلویزیونهای بورژوازی که در رویای رسیدن به قدرت هستند و سعی دارند از طبقه کارگر برای به قدرت رسیدن استفاده کنند، تنها مشکل را در اسلامی بودن این حکومت می‌دیدند و در نقد رژیم سرمایه فقط اسلامی بودن آنرا برجسته می‌کردند. موضوعی که جناح‌های مختلف بورژوازی مدام روی مذهبی و ایدئولوژیک بودن رژیم سرمایه داری ایران بحث و گفت و گو می‌کنند. متأسفانه این کارگران با نمایندگان بورژوازی هم صدا شده‌اند. سرمایه داری ایران، اسلام را در خدمت به سرمایه برای توهم آفرینی و اعمال قهر اقتصادی سرکوب، سلاخی کارگران و استحکام نظام تولید ارزش اضافی به کار گرفته است. آن‌جا که سرمایه نیاز داشته باشد به ناسیونالیسم هم روی می‌آورد. مرگ ناسیونالیسم و اسلامیت، با لغو نظام کارمزدی و خرید و فروش نیروی کار بوقوع می‌پیوندد.

در خلال صحبت این نکته بیان شد که: "یکی از دوستان فعال بازنشسته گفته است: باید از طرح صنارسه‌شاهی افزایش دستمزد عبور کنیم. خواست و مطالبات روز طبقه کارگر را پیش بکشیم." ما از چند و چون مطالباتی که این فعال کارگری مورد نظرش هست اطلاعی نداریم اما امیدواریم منظورش مطالباتی باشد که کلیه کارگران اعم از بیکار، شاغل، بازنشسته، آموزشی، پرستاران و... را دربرگیرد و از حصار این شرکت و کارگران فلان سرمایه دار خروج کند و منشوری از مطالبات کارگری در مقابله با سرمایه باشد. صفی مستقل و متحد از کارگران برای عملی کردن خواست و مطالباتشان ایجاد کنیم. نکته پیداست که خواست و مطالبه رادیکال کارگری اگر صرفاً بر کاغذ باشد، دواهی هیچ دردی از انبوه

دردها و سیه روزی های طبقه کارگر نخواهد بود. با این وجود این پیشنهاد فعال کارگری را به فال نیک می گیریم.

در شرایطی هستیم که دستمزدها و مستمری های ناچیز، بیکاری های مفلس آفرین، گرانی های کمرشکن، بویژه اجناس خوراکی و دارو درمان، کارگران را به سکنا گزینی در اصطبل ها و بیغوله های حاشیه شهرها کشانده و روزهای بدتری را هم سرمایه برای ما کارگران تدارک دیده است. در فضای مجازی کلیپ ها و اخباری از افزایش قیمت ها و به ستوه آمدن کارگران از گرانی دارو و درمان، از گرانی کرایه خانه ها می گویند و می نویسند. کارگر بیکاری که برای فرار از مرگ تدریجی دست به خودکشی می زند!! زن کارگر بی سرپناهی که برای خلاصی از در به دری خوابیدن در پارک ها دست به خلاف می زند تا زندان برود!! ده ها و بلکه صدها کلیپ و ویدئو از گرفتاری ها و منجلابی که رژیم اسلامی سرمایه برایشان ایجاد کرده حکایت می کند. پخش این ویدئوها اگر در جهت تدارک همبستگی و مبارزه متحدانه سراسری شورایی علیه سرمایه باشد، کاری است درخور شان کارگرانی که برای رهایی از بند سرمایه چاره جویی می کنند. اما اگر پخش کلیپ ها و... مظلوم نمایی و در انتظار ترحم سرمایه باشد کج راهه هایی هستند که جنبش کارگری را به قهقرا می برد. ولع سیری ناپذیر سرمایه برای رهایی از بحرانی که از سرمایه می خیزد و تامین نیاز های نیروهای نیابتی، تجهیزات نظامی و دیگر ملزومات سرمایه پایانی ندارد و سرمایه برای تامین هزینه هایش مدام بر قیمت های اقلام خوراکی و درمانی می افزاید و از دستمزدها می کاهد.

برای رهایی از مصیبت هایی که سرمایه مدام و افزون تر از پیش بر سرما آوار می کند ناگزیریم و چاره ای جز این نداریم که بر علیه سرمایه برخیزیم. این بار آگاهانه تر و سازمان یافته تر از پیش و شورایی به ستیز با سرمایه رو کنیم و برای بهم پیوستن کلیه کارگران با آنها به گفت و گو و چاره گری بنشینیم.